





سلام

A close-up photograph of a cluster of pink cherry blossoms with yellow centers, set against a blurred green background. The flowers are in various stages of bloom, with some fully open and others as buds.

« اعتماد » چرا و چگونه؟

جلسه سوم – دوم اسفند ۱۴۰۰

تنها « **موعظه نبوی** »،

و تنها « **شرط** » عبور انسان،

از « **صراط** » (از مو باریک‌تر) زندگی،

« **حفظ قیام و تعادل** » خویش است:

قُلْ: إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ

أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ

(سبأ/ ٤٦)

بگو من فقط به یک چیز شما را موعظه می‌کنم: اینکه برای خدا قیام کنید ...

من زمانی دراز در سیرک زیسته و همیشه و هر لحظه،
برای « **بندبازان** روی ریسمانی نازک و لرزان » نگران بوده‌ام.
اما دخترم این حقیقت را بگویم که مردم بر روی **زمین** استوار،
بیشتر از بندبازان بر **ریسمان** نااستوار، « **سقوط** » می‌کنند.
دخترم جرال‌دین، پدرت با تو حرف می‌زند.

شاید شبی درخشش گرانبهاترین الماس این جهان تو را بفریبد
آن شب، این الماس، آن ریسمان نااستوار زیر پای تو خواهد بود،
و « **سقوط** » تو حتمی است ... (بخشی از نامه چارلی چاپلین به دخترش)

پرسش ۱:



« قیامِ اللہ » یعنی چہ؟

یعنی: حفظِ « **تعادل** »،

در تمامِ « **شرائط** » زندگی،

با « **اعتماد** » به « **خودِ خدائی** » خود:

لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ

وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ

وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (حديد/٢٣)

این « **قیام** **الله** »،

« **فرد** » و « **جامعه** » را

از هر نوع « **تزلیلی** » حفظ می کند.

پرسش ۲:



« سرمایه‌های مهم » هر کشور کدامند؟

سرمایه‌های اصلی هر کشوری عبارتند از:

۱- سرمایه‌های انسانی:

تعداد « جمعیتِ » آن کشور،

تعداد « جوانان » آن کشور،

تعداد « افراد سالم و کارآمد » آن کشور،

تعداد « مدیران و متخصصین » آن کشور،

۲- سرمایه‌های مادی:

مقدارِ « اندوختهٔ ارزی » آن کشور،

مقدارِ « اندوختهٔ طلا و جواهراتِ » آن کشور،

مقدارِ « قدرتِ پول داخلی » آن کشور،

مقدارِ « نقدینگی و تورم و بدهی » آن کشور،¹⁶

۲- سرمایه‌های طبیعی:

میزانِ « مساحت » و « نوع خاکِ » آن کشور،
« هوا، کوه، مرتع، جنگل و معادنِ » آن کشور،
مقدارِ « دسترسی » آن کشور به « دریاها »،
مقدارِ « حجم آب شیرین » آن کشور، ...

۴- سرمایه‌های اجتماعی:

میزانِ «إِعْتِمَاد وِ إِنْسِجَام» میان مردمِ آن کشور،

میزانِ «اِسْتِقَامَت وِ مِشَارَكَت» مردمِ آن کشور،

میزانِ «قَانُون وِ عِدَالَت وِ أَمْنِیَّت» در آن کشور،

میزانِ «تَعَهُّد دِیْنِی وِ مِکَارَم اِخْلَاقِی» آن مردم.

بدونِ «**اعتماد**» و «**استقامت**» مردم،

«**تعهدات** خانوادگی و اجتماعی»،

و «معاهداتِ **بین المللی**»،

هیچ «**ضمانت** اجرائی» ندارند.

« **اعتماد** » مردم ایران به امام خمینی رحمه الله عليه،

آنها را به « **استقامت** » رساند که:

مهمترین عامل « **پیروزی و بقای** » انقلاب اسلامی

و « مهمترین عامل **شکست** ۴۳ سال انواع توطئه‌های

« **دشمنان داخلی و خارجی** » بوده است.

بدون شک « در طول چند قرن گذشته »،

جهان ملتی با این حد از « **ظرفیت** و **استقامت** » را ندیده است.

لذا امام خمینی رحمه الله علیه در « وصیت نامه » خود فرمودند:

« من با جرأت مدعی هستم که ملت ایران و توده‌های میلیونی آن در عصر

حاضر از ملت حجاز در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله و کوفه و عراق در عهد

امیرالمؤمنین و حسن بن علی صلوات الله و سلامه علیهما بهتر می‌باشند. »

(صحیفه امام، ج ۲۱: ص ۴۱۰)

یک « مردم‌شناسی بسیار زیبا »،

و یک « پیش‌بینی بسیار مهم »:

در زمان حضور حضرت امام خمینی رحمه الله عليه در « نجف »،

یکی از مراجع گرانقدر به ایشان می گوید:

شما چه اصراری به مبارزه با **شاه** و برپائی انقلاب در **ایران** دارید،

در همین **عراق**، بعضی ها بیش از شاه به مسلمانان « **ظلم** » می کنند.

شما، اینجا را « **مرکز انقلاب** » قرار دهید.

حضرت امام خمینی می فرمایند: بذر انقلاب در اینجا به بار نمی نشیند.

این ²³بذر، فقط در ایران به بار می نشیند و فقط در آنجا جواب می دهد.

دلیل صحت این «پیش بینی»:

مردم عراق، بارها شجاعانه و برای نظام دینی، **قیام** کردند،

و حتی « چند برابر تعداد شهدای ایران »، « **شهید** » دادند،

(مثلاً در « انتفاضه شعبانیه » (سال ۱۳۶۹)، حدود یک میلیون شهید شدند.)

اما با این همه، بذر انقلاب در عراق به بار **نشست**، زیرا

« حضور مستمر و **استقامت** و پیگیری » لازم را نداشتند.

یک مقام ارشد اروپایی می گوید:

« اگر فشار حداکثری آمریکا علیه ما اعمال می شد، »

« ۶ ماه بیشتر دوام نمی آوردیم، »

زیرا آنچه ایرانی ها دارند و اروپایی ها ندارند،

« استقامت » در مقابل « سختی ها » است که

« فشارها » را « بی اثر » و از آن « فرصت » می سازد.

لذا مهمترین « **هدفِ شیاطین** » اینست که

مؤمنین را به « **خودِ خدائی** » خودشان،

و به « **رهبریِ منصوبِ الهی** » نظام،

« **بی‌اعتماد** » کند،

تا « **انسجام و اقتدار** » نظام اسلامی از بین برود:

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ

أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ

(مائده/٩١)

همانا شیطان می خواهد میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند.

پرسش ۳:



« شیطان »،

چگونه « اکثر مردم » را

به « دشمنی و بدترین » کارها می کشاند؟

و چگونه « اعتمادِ » آنها را جلب می کند؟

پرسش ۴:



چرا نمی توان « اسب وحشی » را

« نوازش » کرد؟

چرا او از همه « می گریزد »؟

پرسش ۵:



در دعائی می گوئیم:

خدایا؛ تو می خواهی به ما « **لطف** » کنی،

و ما را « **پیامرزی** »،

اما ما از « تو » و « سفیران تو » و « کتاب » تو،

« **می گریزیم** » چرا؟

پرسش ۶:



به نظر شما، « **دشمنان** »،

چگونه « خودشان » را

« **مهربان‌تر** از **مادر** » معرفی می‌کنند،

و « **اعتماد** » ما را به خود جلب می‌کنند؟

« اقداماتِ شیاطین » عبارتند از:

اقدام اول شیاطین:

شیاطین، از یکسو بسیار مودیانہ،

با « **فیلم** و **طنز** و **سخنرانی** و ... »،

ابتدا « **رسول** **باطنی** را **ناقص** » دانسته،

و « **تعقل** » مردم را « **عقیم** » می کنند:

تعلیم و تربیت
در خدمت

اسیران سیستم تربیتی

ماژین کارنوی
ترجمه: حسن پاشا شریفی

ایوان ایلچ می گوید :
" . . . این کتابی است مهم ، نخستین
کتابی است که نقش اصلی آموزش و
پرورش را در ایجاد بحرانهای مربوط
به جوامع صنعتی که امروزه با آن روبرو
هستیم ، توصیف می کند . . . " .



اقدام دوم شیاطین:

آنها از سوی دیگر،

با «انتشارِ اطلاعاتِ ناقص»

و انواع «تهمت و شبهه و دروغ»

مردم را نسبت به «رسولانِ ظاهری»

«بی‌اعتماد» می‌کنند:

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ
عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ

..... (أنعام/ ١١٢)

و اینچنین برای هر پیامبری دشمنی از شیاطین انس و جن گماشتیم

امروز « **علیه** »

« **خدا** » و تمام « **مقدّسات** »،

« **إِبْهَام** » و « **شایعاتِ دروغ** »،

بیش از هر زمانی مطرح است.

لذا رهبر معظم انقلاب مکرراً می‌فرمایند:

تا می‌توانید بر «**مبانی**» و «**تحریف‌زدایی**»،

و «**غبارزدایی**» از «**ارزش‌ها** و **آرمان‌ها**»،

«**پافشاری**» کنید،

و (در کنار کم‌کاری حوزه) به «**جهاد تبیین**» بپردازید:



اقدام سوم شیاطین:

شیاطین در اقدامِ بعدی،

با « تحریک تمایلات نفسانی و غریزی » پیروانِ خود،

آنها را به انواع « تخلف » و « جدالِ با حق » می کشانند:

إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ

لِيُجَادِلُوهُمْ (أنعام/ ۱۲۱)

اقدام چهارم شیاطین:

اقدامِ دیگر « **دشمنانِ** **انسانیت** » اینست که،

به مردم « **آموزش** » می‌دهند که چگونه

برای « کسبِ ثروت و قدرت و شهرت »،

در « هر زمینه‌ای » (سیاسی، اقتصادی، پزشکی، علمی، خانوادگی، ...)

یکدیگر را « **فریب** » دهند:

وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ...

يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السَّحْرَ

(بقره/۱۰۲)

پرستی ۷:



« سَحَر » چه زمانی است؟

« **سَحَر** »، « زمانی » است که

به آن « گرگ و میش » می‌گویند،

زیرا در تشخیص « دوست و دشمن »،

هر انسانی « **اشتباه** » می‌کند.

پرستی ۷:



« سحر » چیست؟

« **سِحْر** » یعنی:

« خدعه و نیرنگ و فریب و تردستی »

و « **خیال‌پرووری** »

و به « **اشتباه** انداختنِ **نگاه** » دیگران:

قَالُوا: يَا مُوسَىٰ إِنَّمَا أَنْ تُلْقِيَ وَ إِنَّمَا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَىٰ (٦٥)

قَالَ: بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ

يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَىٰ

(طه/٦٦)

گفت: شما بیندازید پس آن طنابها و چوبدستی‌های آنها
با سحرشان این خیال را در او پدید آوردند که آنها می‌خزند.

پس « **سِحْر** » یعنی:

« **نَگاه** » دیگران را به:

« بازی گرفتن » به « گمراهی » کشاندن،

و « **سَراب** » را « **آب** » نشان دادن:

فَلَمَّا الْقَوْءَا،

سَحَرُوا أَغْيَيْنَ النَّاسِ

وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرِ عَظِيمٍ (اعراف/۱۱۶)

گفت: شما بیفکنید و چون افکندند نگاه مردم را افسون کردند
و آنها را به ترس انداختند و خدعهای بزرگ در میان آوردند.

پس « **يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السَّحْرَ** » یعنی:

به مردم « **تَقْلِبْ** » و « **تَحْرِيف** » را می آموزند،

تا « گنجشک » را به جای « قناری » بفروشند،

و با مواد تراریخته و آلوده به پالم و وایتکس و سموم

و هر چیز **مُضَرِّی**، دنبالِ « **ثَرَوَاتِ** **اندوژی** » باشند.

پرستی ۸:



آموزشِ «سحر» به مردم،
چه نفعی برای شیاطین دارد؟

«آموزشِ سحر» به «مردم»،

آنها را از «عقلانیت» و «اخلاق» دور می‌کند،

و با تحریکِ «تمایلاتِ نفسانی» آنها، آنها را

به «نفاق و فسق و فجور و فساد» می‌کشاند،

و «حزبِ شیطان»، «گسترده» می‌شود.

امروز « نالایق‌ترین افرادِ تحصیل‌کرده » می‌توانند
با « وعده‌های دروغ و تحلیلهای غلط و تحریفاتِ » خود،
اکثرِ مردم را در مسائل سیاسی، پزشکی، اقتصادی، ... **فریب** دهند،
و به « صالحان » بدبین کنند و « **رای** » آنها را « منحرف »،
و آنها را به این همه ظُلم، بی‌عدالتی، خیانت و جنایت، « **بی‌اعتنا** »،
و به « **مصرفِ ذلت‌بارِ** هر چیز مضرّی » بکشانند.

پریشانی ۹:



الآن « تكليف » چیست؟

از میانِ تمام « مخلوقات »،

فقط « انسان »،

محتاجِ « پشیران و امید »،

و به شدّت نیازمندِ « اعتماد » است.

زیرا انسان، در حالتِ «بی‌اعتمادی»،

به «امید و اطمینان و آرامش» نمی‌رسد،

و نمی‌تواند «زندگیِ مفیدی» داشته باشد.

پس برای «فریب نخوردن» چه باید کرد؟

راهکار « **قرآن** » اینست که:

چون هر انسانی، « **ظلم** » را قطعاً می‌شناسد،

پس در « هیچ زمینه‌ای »،

به هیچ « **ظالمی** »، « **اعتماد** » نکند:

وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا

فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ

وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ

ثُمَّ لَا تَنْصُرُونَهُ (هود/۱۱۳)

و به آنکه ظلم کرده تکیه نکنید، زیرا آتش شما را می گیرد،
و جز خدا کارگزاری برایتان نیست و هرگز حمایت نمی شوید.

پس با اعتراف به: « **ظلمتُ نفسی** »،

باید تمامِ « **تکیه** و **إِعْتِمَاد** و **إِتِّكَال** » من،

به « **رَسُولِ بَاطِنِی** » و « **عَقْل** »،

و « **خودِ خدائی** خودم » باشد.

به همین خاطر «**قرآن**» بارها

مردم را «**بازخواست**» می کند که:

أَفَلَا تَعْقِلُونَ؟

پس چرا به «عقل» خودتان «رجوع» نمی کنید؟



خدایا؛

ما را از «**وساوسِ شیاطین**» حفظ فرما،

و ما را به اوج «**عقلانیت**» برسان،

تا «**مطیعِ قرآن** و **سفیرانِ منصوبِ تو**»،

و در زمینه‌سازیِ ظهورِ آخرین حجّت سَهِیم باشیم.



خدایا؛

« ماه دوازدهم » رسید،

« ماه دوازدهم » ما را برسان.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ

